

سیاستگذاری جوانان: مهارت های اجتماعی و کنش های مخاطره آمیز جوانان ایران

فاطمه قدیگی^۱

چکیده

اهمیت جوانان به عنوان سرمایه های آینده برای دولت باعث می شود تا سیاستگذاران و روانشناسان را برای پیگیری معضلات این حوزه ترغیب نماید. بطور خاص، در سال های اخیر گرایش به فرهنگ بیگانه و غرب گرایی به مسئله عمده ای در رفتارهای انکارگونه دینی و گرایش به تبلیغات کذب درباره دین تبدیل شده است که جوانان را با شبهات مربوط به آن دچار تردید و بی میلی مذهبی نموده است. این موضوع زمینه ساز بسیاری از انحرافات اجتماعی می گردد و متعاقباً مشکلات اقتصادی به این بحران هویتی دامن می زند و بستر شکل گیری بحران های بزرگتر در این قشر می شوند. بنابراین چنین ضرورتی ایجاب می شود تا دولت با برنامه ریزی جامع و فراگیری به مدیریت بحران در حوزه نگهداری و بالندگی نسل جوان بپردازد. اما دغدغه اصلی این پژوهش واکاوی ارتباط مهارت های اجتماعی با کنش های مخاطره آمیز است؛ مهارت های اجتماعی از چه طریقی می توانند به هدایت و جهت دهی انحرافات پرخطر پیش روی جوانان رسیدگی کنند؟ در اینجا فرض بر این است که دولت با کمک مهارت های اجتماعی به روش آموزشی- تربیتی و رسانه ای از قبیل ارائه الگوی مناسب، تقویت بینش دینی جوانان و شناساندن فرهنگ غرب به آنان، زدودن فقر اقتصادی به همراه ایجاد اشتغال سازنده، پیشگیری از نفوذ فرهنگی دشمن و استفاده از امکانات تربیت بدنی به کنترل و مقابله با کنش های اجتماعی پرخطر مبادرت ورزد. این پژوهش با رویکردی تحلیلی و به شیوه کتابخانه ای به بررسی کمی-تجربی داده های بدست آمده می پردازد.

کلیدواژه ها: جوانان، مهارت های اجتماعی، کنش هاب مخاطره آمیز، جامعه ایران.

¹ P.h.D Candidate, Political Science and Regional Studies, Moscow State Pedagogical University, Russia

مقدمه

با بیرون آمدن افراد از زنجیره نوجوانی، وابستگی آن‌ها به خانواده کاهش می‌یابد. چراکه خودمختاری، مشاغل و روابط صمیمانه را آغاز می‌کنند. این دوران رشد عاطفی-اجتماعی با هویت، اخلاق و شغل به شیوه‌های پویایی درهم تنیده می‌شود که نگرش‌ها و سبک‌های زندگی آینده را نشان می‌دهد. به عبارت دیگر، در کنار هم قرار گرفتن احساس آزادی از خودمختاری جدید و تجربه محدودیت به عنوان چالش محیطی مانند ظلم، تصمیم‌گیری اخلاقی در دنیای جهانی شده و واقعیت‌های اقتصادی دنیای کار با هم برخورد می‌کنند تا سختی‌ها را ایجاد کنند (Hutchison & et al, 2016: 415, 439). به گفته اریکسون^۲ (۱۹۶۸) مسائل عاطفی-اجتماعی جوانان با انزوایی توسعه می‌یابد بطوری که انزوا به صورت چند بعدی و طیفی از علائم نمایان می‌شود: ترس از صمیمی بودن؛ زیرا ممکن است ارزش‌ها و تجربیات قوی را به چالش بکشد، ترس از طرد شدن به دلیل نژاد، قومیت، جنسیت و عدم توانایی به اشتراک گذاشتن خود با دیگران به نوعی به خودشکوفایی گرایش می‌یابد که این تمایلات منجر به دوری و عدم ارتباط با دیگران (با ارزش‌ها و باورهای متفاوت) می‌شود، زیرا وی آن‌ها را برای هویت خود خطرناک تلقی می‌کند. اما رشد عاطفی-اجتماعی جوانان، آن‌ها را به مسیری هدایت می‌کند که لزوم به اشتراک گذاشتن تجربیات و رابطه با دیگران را ایجاد می‌کند. از سوی دیگر، این امکان وجود دارد ارزش‌های تعریف شده آنان را به چالش بکشاند (Hutchison & et al, 2016: 439, 418; Lancia, 2021).

در سال‌های اخیر و بخصوص پس از پایان جنگ هشت ساله، گرایش به فرهنگ بیگانه و فرهنگ غربی و چالش‌های آموزش در زمینه اخلاقیات در بین جوانان ما رشد صعودی یافته است و گروه‌هایی از جوانان به علل گوناگون از دین و فرهنگ حالت گریز پیدا کرده‌اند، به گونه‌ای که وقتی در بین برخی از آنها از دین و فرهنگ خودی سخن به میان می‌آید به صورت علنی بی‌میلی و بی‌علاقگی خود را به دین اظهار می‌کنند. البته باید اذعان کرد که این انکار و چالش ذهنی به خاطر خود دین نیست، بلکه علل این مسئله بیشتر به رفتارهای دین‌داران و مدعیان دین برمی‌گردد. بخش عمده این رفتارهای انکارگونه جوانان و گرایش‌های آنان به فرهنگ بیگانه به خاطر تبلیغات کاذب و دروغین درباره دین و القای شبهه در بین جوانان می‌باشد و چون جوانان برای این سؤالات و شبهات خود پاسخ قانع کننده‌ای نمی‌یابند، از دین‌گریزان شده، به فرهنگ بیگانه و غربی گرایش پیدا می‌کنند و سیاست‌های دولت در قبال آموزش و اخلاقیات را دستخوش تغییر می‌کنند. البته با وجود همه این شبهات و تبلیغات همواره و در همه حال بارقه‌ای از دین و غیرت و حمیت دینی در روح و روان جوانان موج می‌زند؛ بارقه‌امیدی که سرانجام بسیاری از جوانان را از غوطه‌ور شدن در فرهنگ مبتذل غربی و بیگانه باز می‌دارد و آنان را به آغوش پرمحبت دین باز می‌گرداند.

با توجه به گرایش جوانان به مقوله خودمختاری و استقلال عمل در مدیریت اجتماعی زندگی خود، بدیهی است که در این مسیر با کنش‌های پرخطر مواجه می‌شوند و برای مدیریت چالش‌ها و انحرافات اجتماعی پیش

²- Erikson

رو به مهارت‌های اجتماعی روی می‌آورند. در اینجا بررسی می‌شود که کنش‌های مخاطره آمیز چگونه در مسیر جوانان جامعه ایرانی انحراف ایجاد می‌کنند و دولت ایران در این راستا از چه مهارت‌هایی استفاده می‌کند تا جوانان را در شبهه صحیح شکوفایی اجتماعی و اقتصادی قرار می‌دهد. دولت ایران برای بهبود وضعیت و بهداشت روانی جوانان از ابعاد مختلف مهارت‌های اجتماعی با بهره‌گیری از روش‌های آموزشی و رسانه‌ای این مهم پیگیری می‌کند.

چارچوب نظری

نظریه‌ی برچسب‌زنی رویکرد جامعه شناختی کاملاً متمایزی دارد که تاکید خود را بر نقش برچسب‌زنی اجتماعی در گسترش جرم و انحراف و کنش‌های مخاطره آمیز می‌گذارد. بنای فکری این نظریه برای مبنای انحراف اجتماعی تعریفی است که جامعه از برخی رفتارهای انسان ارائه می‌دهد. این نظریه مدعی است که واکنش‌های اجتماعی رسمی و غیررسمی نگرش‌ها و رفتارهای اساسی را در کنش‌های جوانان تحت تاثیر قرار دهد. از آن‌جا که واکنش‌های دیگران نقش مهمی در شکل‌گیری هویت ما دارند، برچسبی که در نتیجه واکنش‌های دیگران نسبت به رفتارهای انحرافی فرد زده می‌شود، خودانگاره فرد را دگرگون می‌کند و هویت‌اش را انحرافی می‌گرداند. بنابراین، رفتارهای فرد متناسب با هویت جدیدی ظاهر می‌شود (احمدی و معینی، ۱۳۹۳: ۸). در همین راستا بود که در سال ۱۹۹۳ آموزش مهارت‌های اجتماعی از سوی سازمان ملل متحد به کشورهای عضو تاکید شد. این مهارت‌ها به افراد کمک می‌کنند تا در موقعیت‌های مختلف عاقلانه و صحیح رفتار کنند و بدون توسل به خشونت و سرکوب خود مسائل را حل نمایند. مهارت‌های اجتماعی شامل قابلیت‌هایی هستند که توأمًا هوش اجتماعی نامیده می‌شوند، از جمله بیان افکار در تبادلات اجتماعی، دانش نسبت به نقش‌ها و ارزش‌های اجتماعی، مهارت درک شرایط مختلف اجتماعی، مهارت‌های درک مسئله، مهارت‌های ایفای نقش اجتماعی (شیرکوند، ۱۳۸۹).

مهارت‌های اجتماعی از طریق آموزش و تجربه قابل استفاده هستند و به صورت فرآیندی عمل می‌کنند که موجب ثبات در شخصیت و عمق در هویت شده، توسعه فرهنگ فردی را سامان داده و رضایت و مقبولیت در زندگی را به همراه داشته است. ایلین مالیگن^۳ یکی از مربیان آموزش اجتماعی، آموزش اجتماعی را نه یک شیوه درمانی بلکه شیوه عملی و مبتنی بر اهداف می‌داند. در این شیوه به جای پرداختن به ریشه مشکلات زندگی به راه‌حل‌ها اندیشه می‌شود. بسیاری از محققان تاثیر مثبت مهارت‌های اجتماعی را در کاهش سوءمصرف مواد، استفاده از ظرفیت‌های هوشی و شناختی، پیشگیری از رفتارهای خشونت آمیز، افزایش خوداتکایی و اعتماد به نفس مورد تاکید قرار داده‌اند. آموزش این مهارت‌ها به عنوان یک روش عام پیشگیری

³-Elaine Mulligan

از آسیب‌های فردی و اجتماعی بسیار با اهمیت است. اسمیت بر این باور است که مهارت‌های اجتماعی به طور قابل توجهی منجر به کاهش مصرف مواد مخدر در جوانان می‌شود (شیرکوند، ۱۳۸۹).

تعریف مفهوم جوانی

امروزه تعاریف متعددی از مفهوم جوان و جوانی ارائه می‌شود و متخصصان امور اجتماعی با رویکرد خاص خود و حسب رشته تخصصی تعاریف متعددی ارائه کرده‌اند. به همین گونه گروه‌هایی همچون سیاست‌گذاران، قانونگذاران و مراجع مقررات‌گذار نیز با رویکرد و اهداف خاص خود اقدام به ارائه تعریف برای این مفهوم نموده‌اند. بعضی از محققان تلاش کرده‌اند تا رویکردهای رایج در تعریف جوان و جوانی را دسته‌بندی نمایند و تعریف ارائه شده بر اساس هر رویکرد را از تعاریف دیگر متمایز سازند. در این دسته‌بندی ۹ رویکرد ارائه شده است: ۱- رویکرد روان‌شناختی، ۲- رویکرد جامعه‌شناختی، ۳- رویکرد جمعیت‌شناختی، ۴- رویکرد حقوقی، ۵- رویکرد زیست‌تنکرد شناختی، ۶- رویکرد دینی-اسلامی، ۷- رویکرد عرفانی، ۸- رویکرد پسامدرنیستی و ۹- رویکرد جامع‌نگر. رویکرد تلفیقی عمدتاً از سوی سیاست‌گذاران، قانونگذاران و برنامه‌ریزان اتخاذ می‌شود. اما یک تفاوت بین رویکرد مد نظر گروه‌های یاد شده با متخصصان رشته‌های مختلف علوم اجتماعی وجود دارد و آن را باید در این نکته دانست که این گروه‌ها نظر به اینکه باید در تعیین سیاست‌ها و وضع قوانین و مقررات کلی و عام شمول برای کل گروه جوانان، کلیه مسائل و نیازهای تمامی زیرگروه‌های جوانان را لحاظ نمایند، اقدام به اتخاذ رویکرد جامع‌نگر و یا تلفیقی نموده‌اند (سطوتی، ۱۳۹۲: ۱۵-۱۱).

برخی پدیده «جوانی» را به عنوان مرحله‌ای از فکر و روان تعریف کرده‌اند. عده‌ای دیگر نیز می‌گویند: جوانان کسانی هستند که اجتماع آنان را «جوان» می‌داند. (سوانسون، ۱۳۷۰: ۱-۶۶)

در جامعه معاصر برای تعریف مفهوم جوان از مضامین زیر می‌توان بهره گرفت: و جوانی دوره‌ای در زندگی هر فرد است، که با بلوغ جسمی شروع می‌شود و پس از دوره کودکی قرار می‌گیرد. پس از دوره جوانی دوران میانسالی و سپس کهن سالی می‌رسد. این همان تقسیم‌بندی است که از زمان باستان متداول بوده است. جوانی دوره سنی خاصی (مثلاً ۱۵ تا ۲۵ سالگی) است. از دیدگاه جامعه‌شناسی این دوره به خاطر این که همراه با شیوه رفتاری و نگرشی ویژه‌ای است، دارای اهمیت می‌باشد.

جوانی مفهوم زیست‌شناختی است، اما دوره‌ای اجتماعی و فرهنگی نیز هست، دوره‌ای که فرد شرایط لازم را برای کنش مستقل در تمام عرصه‌های زندگی، کسب می‌کند. در واقع، یک خرده فرهنگ یا بخشی از فرهنگ اجتماعی را شامل می‌شود و به نوعی یک مفهوم ایده‌آل ارزشی است، که در میان بسیاری از خلق‌ها و فرهنگ‌های جهان مترادف «خوب» تلقی می‌شود و اشاره به تازگی دارد. (شفرز، ۱۳۸۸: ۲۴-۲۵)

به هر حال تعریف جوان بسیار مشکل است زیرا اساساً تعریف انسان کار دشواری است، به همین علت هرگز آنچنان که باید و شاید به ماهیت آن پی نخواهیم برد. البته این پدیده عام است زیرا تعریف ماهوی درباره‌ی هیچ موجودی امکان‌پذیر نیست. اما در میان همه موجودات، انسان توصیف‌کردنی نیست زیرا نخست این که پی

بردن به ماهیت اصلی او ممکن نیست و دوم این که انسان تنها موجودی است که آینده‌اش پیش بینی پذیر نیست زیرا هر لحظه ممکن است تغییر رفتار دهد (افشارکهن، ۱۳۸۸: ۱۱۵).

در عین حال که عموم سیاستگذاران، قانونگذاران و برنامه‌ریزان چه در سطح ملی و چه در سطح بین‌المللی در تعریف جوان رویکرد تلفیقی را اتخاذ نموده‌اند، شاهد تفاوت در تعریف ملی از مفهوم جوانان در کشورهای مختلف و همچنین در نزد سازمان‌های بین‌المللی هستیم. از آنجا که تمرکز تحقیق حاضر در ساختار حقوقی جمهوری اسلامی ایران است، تعریف ملی ارائه شده در جمهوری اسلامی ایران، یعنی گروه سنی ۱۵ تا ۲۹ ساله را که به تصویب مرجع مقررات‌گذار امور جوانان کشور رسیده است را به عنوان تعریف مد نظر پژوهش می‌پذیریم. در مصوبه شورای عالی جوانان چنین آمده است: «... پس از بحث و بررسی پیرامون نظرات مربوط به دامنه سنی جوانی و تعریف جوان در جمهوری اسلامی ایران، گروه سنی ۱۵-۲۹ ساله به عنوان گروه سنی جوانان در جمهوری اسلامی ایران مورد تأیید قرار گرفت و مقرر گردید سازمان ملی جوانان مطالعات تکمیلی در مورد این دامنه سنی را انجام دهد و به شورا ارائه نماید».

برای واژه جوان تعاریف مختلفی شده و کوشش‌های زیادی به عمل آمده، تا جوانی را بر اساس موقعیت‌های مختلف تحصیلی، اجتماعی، سنی و خانوادگی تعریف کنند. لذا جوان و جوانی موضوعی اجتماعی و جامعه‌شناسی به شمار می‌آید و در برخی متون نیز آن را بیشتر پدیده اجتماعی می‌دانند تا مسئله‌ای جمعیتی شناختی. جوانی، دوره پویایی زندگی هر انسانی است. سنین ۲۹-۱۸ سالگی را دوره جوانی نامیده‌اند. واقعیت آن است که بخش اصلی شخصیت انسان در همین دوره ساخته می‌شود. هر فرد با بهره‌گیری کافی از این دوره، مطمئناً در آینده آثار آن را به وضوح خواهد دید. مسلماً جوان پویا با تکیه بر این اطلاعات و نگرش واقع بینانه قادر است زندگی خوب و موفقی برای خود فراهم کند؛ آثار این موفقیت در دوره جوانی، در دوره‌های میانسالی، سالمندی و پیری آشکار می‌شود. براساس پژوهش‌های جوان پژوهان، کسانی که در دوره جوانی دیدگاه‌های قوی و مستدل و سلوک مطمئن در زندگی داشته باشند در دوره‌های بعدی زندگی و جهت‌گیری‌ها، تصمیم‌سازی‌ها و تصمیم‌گیری‌هایشان توفیق زیادی حاصل خواهند کرد.

درک مفهوم "جوانی" و آسیب‌های اجتماعی پیش‌روی جوانان

"درک جوان" از جمله مسائلی است که لازم است در مورد جوانان رعایت شود. به دلیل آنکه جوان خود را در این سنین غریب و تنها می‌بیند، اغلب سعی می‌کند علیه سنت‌ها و آداب و رسوم قیام نماید، از والدین خود و جامعه کناره‌گیری کند و فقط با همسالان خود تماس بگیرد. در چنین حالتی، جوان به یک یا چند راهنما نیاز دارد تا او را درک کرده و محرم اسرار و همراه او گردند.

حال اگر کسی نباشد که به درد دل‌های جوان گوش فرا دهد و یا احیاناً پدر و مادر در مقابل تفکرات او واکنش شدیدی از خود نشان دهند، روشن است که جوان دیگر والدین را محرم اسرار خود نمی‌داند و مسائل خصوصی را با آنان در میان نمی‌گذارد. پس باید با جوان همراه بود و به او گفت که ما تو را درک می‌کنیم و می‌توانی

www.psptconf.ir

مشکلات و ناراحتی های خود را با ما در میان بگذاری. وقتی جوان احساس کرد که حرف هایش خریدار دارد، آنها را با پدر و مادر در میان خواهد گذاشت. در غیر این صورت، او احساس تنهایی می کند و تعادل روانی خود را از دست می دهد. حال اگر جوانی به هر دلیلی احساس کند درک نمی شود و خود را در سطح خانه یا جامعه بیگانه ببیند، علیه تفکر، مذهب و یا نحوه پوشیدن لباس بزرگسالان طغیان می کند و این مسئله را به شکل های گوناگون از جمله پوشیدن لباس هایی با نماد غربی بروز می دهد (عظیمی، ۱۳۹۵: ۱۱۸۹).

دوران نوجوانی و جوانی مهم ترین دوران زندگی انسان محسوب می شود. در این دوران تحولات عظیمی در درون فرد روی می دهد. او در مرز بلوغ و نوجوانی از طفیلی بودن می رنجد و می خواهد به خود متکی گردد؛ نیروی عاطفی در او افزایش می یابد و در عالم دوستی، افراد را عاشقانه دوست دارد و در عالم قهر و نزاع، تا مرز انتقام پیش می رود.

در این سنین، افراط و تندروری، غرور، خودشناسی، تردید، اضطراب، خیالات، تهور، استدلال قوی و هوش در بالاترین درجه خود قرار دارد و استعدادها به اوج می رسد. از این رو، فرصت یک فرصت طلایی است؛ چه بسا ترقی انسان در این سن شکل می گیرد و انحطاط و سقوط نیز در همین سن به وقوع خواهد پیوست.

نوجوان و جوانی که در یک خانواده نابسامان و محیطی آمیخته با اختلافات خانوادگی پرورش یافته، به سختی در مدرسه قابل تربیت خواهد بود. اگر والدین بیش از آنچه که به نیازهای مادی فرزندان شان اهمیت می دهند به جنبه های روحی آنان می پرداختند، مشکلات کمتری به بار می آمد و بزهکاری ها کاهش می یافت. بیشتر کودکان بزهکار، از حاکمیت نداشتن عاطفه در روابط خانوادگی و کمبود محبت گلایه داشته و رنج می برند. شرایط حاکم بر این دوران بیانگر این است که نوجوان و جوان احتیاج به آرامش روانی بیشتر و ارتباط صمیمانه و دوستانه دارد. به عبارت دیگر، او همدم و مونس می طلبد که وجودش را درک کند و همچون او، طعم ناخوشایند انتقاد، تهدید، تحقیر و روابط آمرانه را چشیده باشد. کسی را می خواهد که به دور از روابط آمرانه، حاکمانه و ناصحانه، با او دوستانه و صمیمانه سخن بگوید و دیگران وجودش را به گونه ای که هست درک کنند.

برای اینکه بتوانیم آسیب شناسی بهتری از جوان داشته باشیم در اینجا به برخی از ویژگی های دوره جوانی اشاره می شود:

جدول شماره (۱): ویژگی های دوران جوانی

ویژگی های دوران جوانی	توضیحات
۱ انتخاب دوستان در میان گروه همسالان	بشر در تمام دوران زندگی خویش همواره نیازمند دوستی با دیگران است. جوانان نیز در این سنین به گروه همسالان، علاقه بیشتری پیدا می کنند، با آنان روابط دوستانه و صمیمانه برقرار می سازند و دوست دارند بیشتر اوقاتشان را با آنان بگذرانند. گاه این علاقه و دوستی تا مرحله عشق ورزیدن پیش می رود. آنها به همسالان خود پناه می برند؛ زیرا مشکلاتی مشابه دارند. جوانان با یکدیگر انس می گیرند و حتی رفتارشان نیز در یکدیگر تأثیر می گذارد. بنابراین، انتخاب دوست در این دوران از اهمیت زیادی برخوردار است.

نباید احساسات فرد در این سنین، نسبت به دوستانش لکه دار گردد. گو اینکه جوان با استفاده مثبت از دوستان خود می‌تواند بر بسیاری از مشکلاتش فائق آید.

جوان به دنبال محیطی می‌گردد تا در آن در محیط رشد ذهنی یابد و خلّاقیت خویش را نشان دهد و رفتارش مورد تأیید قرار گیرد.

۲ محیط مساعد برای رشد ذهنی

تشخیص طلبی یکی از تمایلات غریزی بشر است و در نسل جوان بسیار قوی و نیرومند. جوان به نوع لباس، نوع آرایش مو و نوع واکنش‌هایش در برخوردها افتخار می‌کند و در جمع همسالان خود به ابراز شخصیت و خودنمایی می‌پردازد. او می‌خواهد بفهماند که من هم بزرگ شده‌ام. در این زمینه، والدین با برخورد مناسب و هدایت او در انتخاب لباس‌های مناسب و نوع برخوردهایش ضمن احترام به شخصیت وی، می‌توانند او را در مسیر صحیح هدایت کنند.

۳ تعریف شخصیت

یکی از تمایلات و خصیصه‌هایی که در این دوران شدت می‌یابد، علاقه به آزادی بی‌حد و حصر و بی‌قید و شرط است. او می‌خواهد مقرّرات اجتماعی را نادیده بگیرد و در راه ارضای تمایلات خویش از آزادی‌های تند و بی‌حساب استفاده کند.

۴ نوع نگرش به آزادی و میزان بهره‌مندی از آن

غریزه جنسی یکی از غرایز نیرومند و حساس در وجود انسان است. این غریزه در حیات روانی و جسمانی انسان تأثیرات فراوانی دارد. بسیاری از اعمال و رفتارها حتی بیماری‌های جسمانی و روانی انسان از این غریزه مایه می‌گیرد. اگر این غریزه به نحوی درست و با روش عاقلانه تر پرورش یابد، زندگی را قرین آسایش می‌گرداند و چنانچه در طریق افراط و تفریط واقع شود ممکن است صدها ضایعه جسمانی و روانی به دنبال بیاورد.

۵ شدت یافتن غریزه جنسی

مقام معظم رهبری، به زیبایی تمام دوران جوانی را به تصویر می‌کشند:

جوانی، یک پدیده درخشان و یک فصل بی‌بدیل و بی‌نظیر از زندگی هر انسانی است. جوان در دوره جوانی، بخصوص در آغاز جوانی، تمایلات و انگیزه‌هایی دارد؛ زیرا در حال تکوین هویت جدید خود است، مایل است شخصیت جدید او به رسمیت شناخته بشود؛ که غالباً این اتفاق نمی‌افتد و پدر و مادرها جوان را در هویت و شخصیت جدید او گویا به رسمیت نمی‌شناسند. علاوه بر این موضوع، جوان احساسات و انگیزه‌هایی دارد؛ رشد جسمانی و روحی دارد؛ به دنیای تازه‌ای قدم گذاشته است که غالباً اطرافیان، خانواده و افراد در جامعه از این دنیای جدید بی‌خبر و بی‌اطلاع می‌مانند، یا به آن بی‌اعتنایی می‌کنند؛ لذا جوان احساس تنهایی و غربت می‌کند. در واقع، جوان در دوره جوانی، چه اوایل بلوغ و چه بعدها، با مجهولات زیادی روبه‌رو می‌شود؛ مسائل جدیدی برای او مطرح می‌شود که سؤال‌انگیز است؛ در ذهن او شبهه‌ها و استفهام‌هایی به وجود می‌آید که مایل است به این شبهه‌ها و سؤال‌ها و استفهام‌ها پاسخ داده بشود

جوان احساس می‌کند در وجود او انرژی‌های متراکمی وجود دارد؛ توانایی‌هایی را در خود احساس می‌کند؛ هم از لحاظ جسمانی، هم از لحاظ فکری و ذهنی. او برای اولین بار با دنیای بزرگی در دوره جوانی مواجه می‌شود که این دنیا را تجربه نکرده و از این دنیا چیزهای زیادی نمی‌داند؛ بسیاری از حوادث زندگی برای او پیش می‌آید که تکلیف خودش را در مقابل آنها نمی‌داند؛ احساس می‌کند که احتیاج به راهنمایی و کمک فکری دارند (خبرگزاری فارس، ۱۴۰۰).

چالش‌های پیش روی دولت در قبال آموزش و اخلاقیات جوانان

کم‌توجهی و عدم تفکر جوانان درباره دین

جوان از نظر شناختی، دارای تفکر انتزاعی است و از نظر ذهنی به حداکثر کارایی هوش می‌رسد. در این دوره، گرایش جوانان به «فلسفه زندگی»، آنان را به سوی مسائل اخلاقی، سیاسی و مذهبی سوق می‌دهد. جوانان تلاش می‌کنند هویت مذهبی خود را شکل دهند، اما به دلایل گوناگون ممکن است در فرایند هویت‌یابی مذهبی با بحران مذهبی مواجه شوند و نتوانند این هویت را خوب تشخیص دهند؛ در نتیجه، دچار سردرگمی و در نهایت، حالت بی‌رغبتی و گریز از دین شوند. یکی از علل این بحران، ناهمخوانی سطح شناختی جوان با سطح معارف دینی است که به او ارائه می‌شود.

جوان به دلیل توانمندی‌های ذهنی خود، دین صرفاً تقلیدی را بر نمی‌تابد. او باورهای دینی را که از دوران کودکی به صورت تقلیدی به او القا شده، کنار می‌زند و می‌خواهد دینی را بپذیرد که با سطح تفکر او متناسب باشد. اما بسیاری از اوقات آنچه به عنوان دین به او عرضه می‌شود برایش قانع‌کننده نیست.

از سوی دیگر، جوان می‌خواهد همه آموزه‌های دینی را با عقل خود بسنجد. او فکر می‌کند اگر آموزه‌های دینی در قالب‌های فکری او بگنجد صحیح است، وگرنه درست نیست و باید کنار گذاشته شود. این عوامل موجب می‌شود هویت دینی جوان به خوبی شکل نگیرد و دچار بحران شناختی نسبت به این آموزه‌ها شود و راه نجات از این بحران را گریز از دین بداند!

علت دیگر این بی‌رغبتی و گریز از دین برداشت‌های غلط و نادرست از معارف دینی می‌باشد. بسیاری از اوقات، دین مساوی با معنویت لحاظ شده و در حد یک نیاز معنوی صرف بدان نگریسته می‌شود. سپس چنین نتیجه‌گیری می‌گردد که نیاز به معنویت، فقط ویژه مواقع سختی و بحران‌های شدید است و دین نقش اساسی در زندگی روزمره انسان ندارد. این دیدگاه ساده‌انگارانه و کاهش‌گرایانه نسبت به معارف دینی، به تدریج باعث حذف دین از زندگی انسان می‌شود. جوانی که در جستجوی فلسفه زندگی است، اگر احساس کند دین در معنادهی و جهت‌بخشی به زندگی او تأثیر مثبتی ندارد به تدریج آن را کنار می‌گذارد و چه بسا آن را امری زاید و دست و پاگیر انگاشته، از آن گریزان می‌شود.

تهاجم سازمان یافته فرهنگی دشمن

دشمن برای دور ساختن جوانان از دین و فرهنگ کشور، از انواع راه‌ها و شیوه‌ها استفاده می‌کند و به هر ترفندی دست می‌زند. در ذیل به برخی از آنها اشاره می‌شود:

- تضعیف باورها و اعتقادات دینی:

جوانان آینده‌سازان کشورند و اگر خوب تربیت شوند و باورهای دینی را در قلب پاک خویش بیورانند، هادیان جامعه خواهند بود. شور و نشاط جوانان وقتی با فرهنگ پاک و پویای اسلام عجین شد، آن‌گاه به بار خواهد نشست و همگان از ثمرات آن بهره‌مند خواهند گردید. دشمنان اسلام این نکته را خوب می‌دانند، از این رو، «باورهای اسلامی» را مورد حمله قرار می‌دهند و می‌کوشند از هر طریق اعتقادات مذهبی را در وجود جوانان سست و کم‌رنگ کنند؛ زیرا با وجود فرهنگ اسلامی - که با فطرت بی‌آلایش جوانان سازگار است - جای هیچ نفوذی برای فرهنگ بیگانه نیست.

مقام معظم رهبری از این توطئه شوم چنین نقاب برمی‌گیرند:

یکی از راه‌های تهاجم فرهنگی این بود که سعی کنند جوانان مؤمن را از پای بندی‌های متعصبانه به ایمان - که همان چیزی است که یک تمدن را نگه می‌دارد - منصرف کنند؛ مانند همان کاری که در قرن‌های گذشته در "اندلس" کردند؛ جوان‌ها را ریختند در عالم فساد، شهوت رانی و می‌گساری. این کارها در حال حاضر دارد انجام می‌گیرد.

- ارائه معیارهای فرهنگ غرب:

از دیگر شیوه‌های عملی دشمن در جهت نابودی فرهنگ ملی و اسلامی کشور ما، ارائه معیارهای ارزشی فرهنگ غرب و القای آن بر افراد جامعه است: رفاه مادی، بهره‌جویی و لذت بردن بی‌حد و لجام گسیخته در زندگی و سرانجام، زندگی در چهارچوب حیات مادی و حیوانی به دور از معنویات و اخلاق و انسانیت. تمام تلاش‌های آنان پیرامون محور مادی بودن انسان و به عبارتی، بسیج همه امکانات در مسیر لذت بیشتر، سیر می‌کند. از این رو، انسان با معنویت و باتقوا را چنانچه از سرمایه‌های مادی بی‌بهره باشد، انسانی مرتجع و غیرمتمدن می‌دانند؛ ولی انسان بی‌بند و بار، رفاه‌طلب، سودجو، ثروت‌اندوز، چپاولگر، بی‌دین و لامذهب را انسانی متمدن، متشخص و هماهنگ با زندگی مدرن امروزی معرفی می‌کنند.

اشاعه فساد، ابتذال و بی‌بندباری

پرورش روح انسان بدون محدود کردن شهوت امکان‌پذیر نیست و انسان وقتی شهواتش عنان گسیخته باشد، مانند حیوانات می‌شود و در این صورت، راه رشد انسانی برای رسیدن به کمالات مسدود می‌گردد. از این رو، اسلام، بخصوص برای ارضای غریزه جنسی، ضابطه، قاعده، حدود و قیود تعیین کرده است. بر همین اساس، یکی از راه‌های آسان و ساده مبارزه با نفس دین در یک جامعه، باز کردن راه عنان گسیختگی شهوات است؛ یعنی همان کاری که انگلیسی‌ها در ادوار گذشته در ممالک اسلامی انجام دادند و جوانان را در عالم فساد و می‌گساری غرق کردند.

همفرد، جاسوس انگلیسی در ممالک اسلامی در سال ۱۸۰م، در خاطرات خود راه‌های نابودسازی عوامل نیرومند مسلمانان را چنین بر می‌شمرد:

ترویج شراب خواری، قمار، فساد، شهوترانی، ترغیب به زیرپا نهادن دستورات اسلام، و...

گرایش به سمت الگوهای غربی

اصولا کارکرد اساسی و وظیفه اصلی استعمار فکری این است که افراد و ملت های زیر سلطه شخصیت اصلی خویش را از دست داده و به صورت جزئی از کشور استعمارگر درآیند، آن هم جزئی که اصول تفکر و فرهنگ اصیل استعمارگر را به صورت بهترین ارمغان و یا حتی به شکل وحی منزل آسمانی پذیرا شده و آن را معلم مطلق فرهنگ، دانش، اخلاق و همه چیز خود بدانند. کوتاه سخن اینکه به برتری بی چون و چرای فرهنگ و دانش و آداب و رسوم آن اعتراف نماید.

بر همین اساس است که استعمار با ارائه الگوهایی برای افراد جوامع، در جهت وابستگی فرهنگی آنان می کوشد و فرهنگ خود را به گونه ای القا می کند که ملل استعمارشده فرهنگ اصیل خویش را رها کرده و مجذوب فرهنگ او شوند.

تخریب و ترور شخصیت های دینی و مذهبی

قهرمانان و شخصیت های واقعی هر ملت، از عوامل پویایی و بالندگی آن ملت محسوب می شوند. آنان چون قتل رفیع در بین جامعه درخشیده و نسل های جدید را به تلاش و کوشش و مجاهدت فرا می خوانند. دشمنان با گستردن دام های گوناگون سعی در تطمیع و تخریب آنان داشته و در صورت عدم موفقیت، با نشر شایعات و اکاذیب به ترور شخصیت افراد مؤثر می پردازند و در نهایت، برای تحقق اهداف شوم خویش دست خود را به خون پاک برگزیدگان و اندیشمندان و مجاهدان ملت آغشته می سازند که تاریخ انقلاب اسلامی ما نمونه های فراوانی از این نوع ترفندها در دل خود جای داده است.

استفاده ابزاری از گروه های مذهبی

یکی از روش های دیرین دشمن برای بسط سلطه خویش، استفاده از اعتقادات انحرافی در برابر عقاید و ارزش های اصیل است. آنان در تلاشند تا مذهب را که عامل بیداری، پویایی، ظلم ستیزی، عدالت گستری و تأمین کننده سعادت دنیا و آخرت است، به عامل تخدیری، انفرادی، انزواطلبی، ظلم پذیری، واپس گرایی و رهبانیت تبدیل نمایند و به تعبیر امام خمینی، اسلام ناب محمدی را به اسلام آمریکایی مبدل سازند. تأکید بر اختلافات مذهبی، تکیه افراطی بر تفاوت های شیعه و سنی، ترویج خرافه گرایی، ترویج مذهب دروغین، تحریف مفاهیم بلند همچون انتظار، توکل، دعا، قضا و قدر و تعبد همه در جهت این هدف شوم سازمان دهی و اجرا می شوند.

ناسازگاری میان قول و عمل مدعیان دین

مسئله دیگری که به عنوان عامل دین گریزی و انحرافات اخلاقی مطرح است اعمال خلاف کسانی است که نسل جوان به عنوان الگو بدان ها توجه می کنند. این امر بسیار مهم و خطرناک است و عامل دین گریزی آنها می شود.

جوانان با مشاهده کسانی که قول و عملشان یکی نیست و در عین حال، دعوت به دین داری می‌کنند، از خود می‌پرسند: اگر اسلام خوب و ارزشمند است، چرا مدعیان آن بدان عمل نمی‌کنند؟ آنها می‌گویند: چرا این مدعیان دین فقط ما را به عمل به دستورات دینی توصیه می‌کنند، حال آنکه خودشان فرسنگ‌ها با دین و احکام دینی فاصله دارند؟ جوان چون هنوز از پختگی لازم در مورد دین برخوردار نیست و به آن حد از شناخت و عرفان مذهبی نرسیده است تا لغزش افراد را به حساب خود آنها بگذارد نه دین و مذهبشان، به محض دیدن خلاف و اشتباه در اعمال الگوها و کسانی که به طرف دین دعوت می‌کنند، آن را به حساب دین و اخلاق و فضیلت می‌گذارد و از این رو، تمام دیدگاه‌ها و آرزوهایش به یکباره فرو ریخته، نسبت به همه چیز بدبین می‌شود. از همین روست که می‌گویند لغزش الگو و کسی که به عنوان منادی دین مطرح است خطرناک‌ترین وضع برای نسل جوان است. برای افرادی که دین و مذهب کاملاً برایشان جا افتاده باشد، این مسائل مشکلاتی را ایجاد نمی‌کند؛ زیرا آنها می‌دانند که هر شخص ممکن است دچار خطا و اشتباه گردد و یا ممکن است هوای نفس بر شخص غالب شود و اعمالی را بر خلاف دین و مذهب مرتکب گردد. از این رو، کارهای چنین فردی را به حساب دین او نمی‌گذارند. ولی جوانی که تازه می‌خواهد دین را انتخاب کند و بدان معتقد شده و به این وسیله از الگوهای مذهبی پیروی نماید، آن را به حساب دین گذاشته و چنین تصور می‌کند که تمام دین همین است.

در این باره می‌توان گفت که الگوهای زنده و مشهور باید در مورد هدایت نسل نو احساس مسئولیت و مواظبت بیشتری کنند و از سوی دیگر، به نسل جوان اصالت دین منهای افراد تفهیم گردد تا با فرو ریختن و یا ریزش یک الگو، جوان این را به حساب فرو ریختن دین و اخلاق نگذارد. جوانان نه تنها رفتار خود مربی و مدعیان دینی را به دقت می‌نگرند، افکار و کردار فرزندان و بستگان نزدیک او را نیز می‌کاوند. اگر میان آنان افراد نامناسب، فاسد، و سودجو یافت شود، آن را بر ضعف معلم دینی حمل می‌کنند. بدین روی، مربی دینی باید برای تربیت نزدیکان خود نیز اهتمامی ویژه بورزد و با تدابیری، پیشاپیش از آینده تاریک آنان جلوگیری کند.

گرایش طبیعی انسان‌ها به رهایی از قید و بندها

انسان به طور طبیعی به دنیاطلبی و راحت طلبی بیشتر علاقه دارد تا حرکت به سوی خدا. این یک امر غریزی است. خوردن و خوابیدن برای انسان، راحت‌تر از این است که کارهای سخت انجام دهد. میل طبیعی به مادی‌گری و دنیاطلبی در انسان وجود دارد و هر جامعه‌ای که در این جهت زمینه بیشتری داشته باشد، مردمش به آن سمت بیشتر کشیده خواهند شد. در جامعه خودمان هم به همین صورت است؛ اگر چیزهایی که جوانان دوست دارند برایشان فراهم شود، زودتر به آن نزدیک می‌شوند. بنابراین، دنیاطلبی ریشه در طبیعت انسان دارد و این طور نیست که غرب کاری عجیب و غریب کرده باشد یا معجزه‌ای رخ داده باشد که موجب شده همه به آن جذب شوند؛ این طبیعی است که اگر کسانی آن محیط را بیسند و بخواهند خواسته‌های خودشان را ارضا کنند، وقتی ببینند جای دیگر ارضا نمی‌شود، به سراغ آنجا بروند.

این نکته نشان می دهد که ما در جامعه خود باید در کنار توجه به رشد معنوی و تعالی افراد، سعی کنیم جاذبه های مادی را فراهم کنیم، تفریح های سالم به اندازه کافی ایجاد نماییم و زمینه های ارضای نیازهای مادی را فراهم آوریم.

محدودیت های اعمال شده از سوی خانواده

استقلال طلبی، حرّیت و عدالت جویی، از ویژگی های بارز دوره جوانی است. جوانان برای اثبات این ویژگی ها، با بزرگ سالان مقابله می کنند. این مقابله نه از سر لجبازی و پشت پا زدن به ارزش هاست، بلکه بیشتر جنبه اثباتی برای خود جوان دارد. یکی از اشتباهاتی که در این زمینه از بزرگ سالان سر می زند سرزنش و ملامت جوان است. این سرزنش ها هم از نظر عاطفی برای جوان مضر است و هم به روحیه استقلال طلبی او آسیب وارد می کند و نتیجه آن برافروختن آتش لجاجت و طغیان است. بنابراین، مقابله با روحیه استقلال طلبی جوان و سرزنش کردن افراطی او، پیامدهای خطرناکی به دنبال دارد. یکی از پیامدهای ناگوار آن، طغیان علیه ارزش های حاکم بر جامعه، گریز از ارزش ها و منبع آنهاست و چون معمولاً در جوامع دینی منشأ و منبع ارزش ها، «دین» است، این مسئله به دین گریزی می انجامد.

آنتونی گیدنز براین باور است که زندگی اجتماعی کنونی علاوه بر بازتاب نهادین خود روش هایی را از درون خود به فرهنگ عمومی ارائه می دهد که روابط اجتماعی را از قید ویژگی های محلی رهایی می بخشد و یا زمینه های اجتماعی دیگر ترکیب می کند. این ساختار ماهیت و الگوهای روزمره را تغییر می دهد. در واقع ویژگی مدرنیته و تجدد خطر کردن است که سامان دهنده حیات اجتماعی و شالوده رفتارها و اعمال افراد ساده و متخصص می باشد. گیدنز معتقد است که اختلاف میان نسل ها نوعی به حساب آوردن زمان در جامعه مدرن است. مدرنیته تنها متغیرهای بیرونی را مشمول نمی شود بلکه جابه جایی عمیق نگرش ها، عقاید و رفتار را در برمی گیرد که خود جابه جایی اجزای فرهنگی است. این شرایط جدید بازیگران را به فضایی با خطرهای احتمالی بی سابقه می کشاند که نسل های پیشین مطلقاً با آن ها سروکار نداشته اند. بدین ترتیب است که گیدنز روابط نسلی را از جنبه نوسازی بررسی نموده است. وی روابط خانوادگی و نسل ها را رویه ای تاریک و پرتنش می داند که به تجزیه عاطفی خانواده منجر می شود. از این رو نباید در این حوزه اغراق نمود (قنبری برزین، ۱۳۹۴: ۶۷۵).

در میان نهادهای مختلف خانواده به عنوان یک متغیر اصلی در شکل گیری انحرافات مخاطره آمیز اجتماعی نقش دارد. زیرا اولین جایی است که فرد با آن روبرو بوده و در آن بزرگ می شود. بنابراین در درونی کردن هنجار های جامعه و آموزشی صحیح مهارت های اجتماعی نقش بسیار مهمی بر عهده دارد. با این وجود اگر خانواده نتواند کارکردهای خود را به خوبی انجام دهد، زمینه بروز بسیاری از انحرافات و بزهکاری ها را فراهم خواهد کرد. ساختار خانواده از جمله خانواده ازهم گسیخته یکی از عوامل تاثیرگذار بر رفتار جوانان به شمار می رود. آموزش مهارت های اجتماعی به جوانان در معرض خطر کمک می کند تا تکنیک هایی برای ایجاد و نگهداری روابط اجتماعی مثبت با اعضای خانواده، همسالان و معلمان به وجود آورند. آموزش مهارت های

اجتماعی می‌تواند دارای اثربخشی طولانی مدت در ارتباط با جلوگیری از وقوع رفتارهای ضد اجتماعی در بین جوانان باشد. در نتیجه توجه به مقوله مهارت‌های اجتماعی می‌تواند در کاهش رفتارهای پرخطر بسیار موثر باشد (احمدی و معینی، ۱۳۹۴: ۲۰ و ۲۱).

وجود شبهات دینی در بین جوانان و عدم پاسخ صحیح به آنها

یکی از موارد ضروری، شناخت دردها و دغدغه‌های فکری نسل جوان است. باید دانست که این دردها همیشه نشانه بیماری نیست، بلکه نشانه بیداری نیز هست. پس از شناسایی دردها باید به درمان آنها پرداخت و در هنگام درمان باید برخورد مناسب و منطقی داشت؛ زیرا عدم برخورد منطقی و درست، نسل جوان را به انحرافات گوناگون از جمله انحرافات فکری می‌کشاند و ممکن است آنها را به دامن مکاتب و اندیشه‌های الحادی سوق دهد. استاد مطهری یکی از علل گرایش نسل جوان به مکاتب الحادی، چه در مسیحیت و چه در جوامع اسلامی را پاسخ غیر منطقی و غیر معقول به نیازها و سؤالات این نسل و نیز برخوردهای منفی با این نسل می‌داند. از این رو، معتقد است که باید از طرد این نسل دوری گزید و تلاش کرد تا برای سؤالات دینی و نیازهای اساسی این نسل پاسخ‌های معقول، منطقی و حقیقی بیابند:

«فکر اساسی این است که ما درد عقلی و فکری این نسل را بشناسیم. بدون شناخت درد این نسل، هرگونه اقدامی بی‌مورد است. پس از شناخت درد باید به فکر درمان و چاره بود. اتفاقاً دیگران از راه شناختن احتیاجات، آرمان‌ها و دردهای این نسل و پاسخ درست به آنها، آنها را منحرف کرده‌اند؛ مانند مکتب ماتریالیسم در ایران».

استاد مطهری رمز انحرافات نسل جوان را در عدم پاسخ‌گویی به نیازهای او می‌داند و می‌فرماید: ریشه بیشتر انحرافات دینی و اخلاق نسل جوان را در لابه‌لای افکار و عقاید آنان باید جست. فکر این نسل از نظر مذهبی چنان که باید راهنمایی نشده است، و از این نظر فوق‌العاده نیازمند است. ایشان زایش و پیدایش سؤالات جدید و نیازهای تازه را انحراف و انحطاط و زاییده هوس‌ها و شهوت‌های نسل جوان نمی‌شمارد، بلکه آن را نشانه رشد و حیات یک جامعه زنده می‌داند؛ البته به شرط آنکه اندیشمندان و عالمان دینی به وظیفه خود در پاسخ‌گویی و رفع نیازهای این نسل به خوبی عمل کنند. "ما کشوری هستیم که اسلام را الگوی خودمان معرفی کرده ایم و از آن دفاع می‌کنیم، ولی در تبیین و عمل به آن در جامعه، گاهی راه‌های افراطی یا تفریطی را طی می‌کنیم. همین مطلب موجب می‌شود که برخی وقتی عدم ثبات را در این زمینه می‌بینند از اصل دین‌گریزان شده و به فرهنگ دیگری جذب شوند. کسانی که در یک کشور اسلامی، اسلام را ارائه می‌دهند و به اجرا می‌گذارند باید یک حد متعادل و وسطی را مراعات کنند تا زمینه افراط و تفریط بسته شود و کسانی به فکر گرایش به افکار غیر اسلامی نیفتند." (مطهری، ۱۳۹۷).

عوامل گرایش جوانان به انحرافات اخلاقی فرهنگ بیگانه و تخطی از موازین آموزشی صحیح

الف. عدم شناخت صحیح فرهنگ غرب

برخی چنین می‌پندارند که در پس نظم موجود در غرب ارزشی نهفته است، حال آنکه با دقت در زندگی غربی می‌بینیم که چنین نیست. نظام اسلامی حقوق بسیاری برای مردم قایل است. اسلام سفارش‌های بسیاری دارد مبنی بر اینکه نباید حق دیگران از بین برود. ارزش‌های بسیاری در پس رعایت همین قوانین راهنمایی و رانندگی ما قرار دارد؛ از جمله حق الناس. اما در غرب چنین ارزش‌هایی مطرح نیست؛ نظم موجود متأثر از پولی است که هم از مردم می‌گیرند و هم صرف این کار می‌شود؛ برخی قوانین وضع می‌شود، فناوری به کار گرفته می‌شود و به تبع آن، رعایت قوانین.

ولی نکته حایز اهمیت این است که برخی تصور می‌کنند واقعاً جامعه غربی یک جامعه ارزشمند است؛ یعنی یک سلسله ارزش‌های اخلاقی، معنوی و دینی باعث می‌شود که مردم قوانین را مراعات کنند، اما چنین نیست. مردم غرب تافته جدا بافته نیستند و اصالتاً با ما تفاوت ندارند؛ مثلاً این گونه نیست که آنها اهل صداقت باشند و ما نباشیم و یا در آنها صافی باشد و در ما آلودگی. همین‌ها هم که به عنوان نمونه ذکر می‌کنند مربوط به عوامل نظارتی است که به اینجا منجر شده. برای مثال، در فروشگاه‌ها به ظاهر کسی ناظر اعمال مراجعه‌کنندگان نیست، ولی دوربین‌های مخفی و عوامل غیرمحمسوس وجود دارند که اگر کسی مرتکب خلافی شود، برخوردهای شدیدی با او می‌کنند؛ افراد مطمئن هستند که تحت مراقبتند و کسانی ناظر آنها نیستند. یا مثلاً، برخورد خوب همراه با روی باز و تبسم صاحبان مغازه‌ها با خریداران به این خاطر است که در آنجا پیدا کردن کار بسیار سخت است؛ اگر کسی کار پیدا کند، شغلی به دست آورد، آن را از موفقیت‌های بزرگ خودش می‌داند؛ چون در آنجا رقابت شدیدی برای به دست آوردن کار وجود دارد.

ب. مشکلات اقتصادی موجود در داخل کشور

رونالد اینگلهارت^۴ افزایش و کامیابی اقتصادی را برآورده شدن بهتر نیازهای بنیانی در سال‌های شکل‌گیری شخصیت و رشد افراد می‌داند که متعاقباً منجر به ارزش‌های ماتریالیست کمتر از نسلی به نسل دیگر می‌شود. نظریه دگرگونی ارزشی وی، جابه‌جایی از اولویت‌های مادی به اولویت‌های غیرمادی را فرآیندی جهانی و افزایش امنیت وجودی را عامل اصلی در تغییر ارزش‌های بین نسلی می‌داند. اینگلهارت معتقد است در فرآیند صنعتی شدن هنجارهای دینی و سنتی از میان رفتند که این موضع جبرگرایانه اقتصادی صرف را بومی‌تر از پیش کرد. موج نوین مصرف‌گرایی و تنوع‌دروش‌های زندگی در ایران با پایان یافتن شرایط اجتماعی دوران جنگ و بهبود نسبی وضعیت اقتصادی آغاز شد. پدیداری نسل سوم انقلاب، ورود گسترده محصولات جهانی به ایران، تحول در زمینه ارتباطات جمعی در ایران و جهان، نمایانی پیامدهای انقلاب اسلامی و... از جمله فرآیندهایی بودند که موجب افزایش روش‌های زندگی مصرفی در کشور شدند و به دنبال آن به عاملی مهم در برساختن هویت جدید و نیازهای جدید برای جوان ایرانی تبدیل گشت (قنبری برزین، ۱۳۹۴: ۶۷۵ و ۶۷۷).

در دوره جوانی غرایز به نقطه اوج می‌رسد و جوان در پی ارضای آنهاست. تأمین به موقع این نیازها، نقش بسیار مهمی در تعدیل رفتار و رشد و تکامل او دارد و عدم ارضای آنها نه تنها مانع رشد و کمال می‌گردد،

⁴-Ronald Englehart

بلکه سبب ناهنجاری های رفتاری زیادی می شود. کفر - به عنوان یک ناهنجاری اعتقادی - همان سان که می تواند معلول جهل و ضعف معرفتی باشد، معلول فقر نیز هست. از این رو، معصومان فرموده اند: یکی از پیامدهای احتمالی فقر، کفر و دین گریزی است.

فراهم نبودن شرایط ازدواج سالم، زمینه ساز گناه و زایل شدن ایمان می شود و به تدریج تبدیل به گریز از دین می گردد. بنابراین، ارضای نیازهای جسمانی و روحانی، در بهداشت روانی جوان مؤثر است و فقدان آن نه تنها سلامتی وی را تهدید می کند، بلکه زمینه ساز بسیاری از ناهنجاری هاست.

ج. آزادی ابتذال و فساد و بی بندباری در غرب

به طور طبیعی کسی که مایه های اصیل اسلامی در او تقویت نشده این گونه آزادی ها نظر او را جلب می کند و تصور می نماید که این آزادی یک نحو اصالتی برای او می آورد و او را در دنیا سعادتمند می کند. ولی با نگاهی به جامعه غربی، به راحتی می توان دریافت که این تفکر چقدر اشتباه است و به واقع، آنچه اکنون غرب را در بسیاری از مسائل روحی و اجتماعی به بن بست کشانده همین آزاد گذاشتن غرایز جنسی است. نکته حایز اهمیت این است که به تدریج فحشا از ناحیه کسانی صورت می گیرد که وظیفه آنها نجات جامعه از سقوط اخلاقی است. رهبران فکری جامعه به عنوان طرف داران آزادی مطلق، مفهوم واقعی «فحشا» را تغییر داده و مردم را به ارتکاب آنچه مخالف شرف و فضیلت است تشویق می نمایند. ویل دورانت می گوید: زندگی شهرنشینی در غرب طوری شده که آدمی را از اندیشیدن به ازدواج باز می دارد.

د. استقبال کشورهای غربی از نخبگان و ذهن های خلاق دنیا

درک نقش و وظایفی که نخبگان یک جامعه در هدایت جامعه و پیشرفت آن دارند، از اهمیت بسزایی برخوردار است. اگر این مسئله درست درک نشود و برای استفاده بهینه از این افراد برنامه ریزی نگردد و جایگاه مناسب اجتماعی و شرایط لازم یک زندگی راحت فراهم نشود، خیلی زود این سرمایه ها از دست می رود. غرب به دلیل آنکه باید برای رشد صنعت و به روز نگه داشتن نوع فناوری های خود از مغزها پیوسته استفاده کند تا بتواند در جهان رقابت کامل زنده بماند، در جهت جذب نیروهای کیفی عالم برنامه های بسیار متنوع و جذابی در نظر گرفته است. در مقابل، از آن رو که ما روزانه فکر می کنیم و در فکر برنامه های دراز مدت نیستیم و شاید در بسیاری از موارد، اصلاً بدون برنامه و نظم کار می کنیم، به طور طبیعی برای استفاده از این نیروهای مفید نه تنها برنامه ای نداریم، بلکه گاهی موجبات هدر رفتن آنها را با دست خود فراهم می کنیم. از این روست که به محض شکوفایی یک استعداد و مطرح شدن آن در جامعه، شاهد پذیرش یک طرفه از سوی دانشگاه های اروپایی و آمریکایی هستیم. آنها مترصدند تا استعدادهای کشورهای شرقی را سریعاً بربایند. کسانی که از مغز متفکری برخوردارند، به طور طبیعی به سوی مراکزی کشیده می شوند که در آنجا از آنها استقبال بیشتری می گردد و تلاش های آنان ارج نهاده می شود.

بنابراین، مدیریت فناوری و شناخت و استفاده از فناوریان مؤمن و برنامه ریزی برای توزیع صحیح و کارآمد آنان باید در رأس وظایف در مؤسسه یا وزارتخانه ای قرار گیرد تا بتواند به موقع از این نیروهای کیفی، مفید و متعهد در هر رشته استفاده لازم را در جهت شکوفایی و رشد و تعالی نظام مقدس جمهوری اسلامی ببرند.

ه. تعمیم‌های بی‌جا

تعمیم بی‌جا مفهومی است که هم در منطق و هم در روان‌شناسی از آن سخن به میان می‌آید. ساختار روانی انسان به گونه‌ای است که اگر کسی مثلاً در بعد اخلاقی مورد اعتماد او بود، همه نظریات آن فرد را در هر زمینه‌ای به طور کامل قبول می‌کند. ریشه این تمایل در «تعمیم بی‌جا» است.

این ویژگی بخصوص در دوره جوانی، در افراد زیاد دیده می‌شود؛ یعنی اگر جامعه «الف» ببیند که جامعه «ب» در یک بعد پیشرفت قابل ملاحظه‌ای نموده، دوست دارد که جامعه «ب» را در ابعاد دیگر نیز مطلوب بینگارد. نمونه این مطلب، نگاه افرادی از جامعه ما به جوامع غربی است.

برخی چون می‌بینند کشورهای غربی در صنعت گام‌های بلندی برداشته‌اند، ناخودآگاه تمایل دارند نتیجه بگیرند که همه ابعاد زندگی در این کشورها درست است و باید الگوی اینها باشد. می‌گویند: چون این کشورها از نظر فناوری بالاتر از همه‌جا هستند، پس اگر در آنجا بی‌حجابی وجود دارد، بی‌حجابی ارزش است؛ اگر در آنجا دین وجود ندارد، دین چیز بی‌ارزشی است!

انسان منطقی و معقول کسی است که تعمیم بی‌جا ندهد. تعمیم بی‌جا زمینه‌ای است که انسان را به مغالطه می‌کشاند. بنابراین، باید کارهای افراد را تحلیل و بررسی کنیم، ببینیم تا چه اندازه رفتار یک فرد یا یک جامعه با عوامل گوناگون ارتباط دارد. آیا فناوری با بی‌حجابی به دست می‌آید؟ اگر ما بخواهیم در جامعه خودمان نظم را حاکم کنیم آیا راهش این است که نماز نخوانیم و ارزش‌های دینی مان را زیر پا بگذاریم؟ اینها تعمیم‌های نارواست (عباسی، ۱۳۸۶).

تقویت رویکرد مهارت اجتماعی به عنوان متغیر اصلی در کنترل کنش‌های پرخطر

در جهان معاصر روند سریع تغییرات اجتماعی، فرهنگی و ارتباطات روزافزون جوانان را با چالش‌های متعددی از جمله فشارهای اجتماعی و اقتصادی روبه‌رو ساخته است. برای مقابله موثر در این حوزه به توانایی‌های روانی-اجتماعی نیاز است. در جریان مواجهه با مشکلات اجتماعی تنها برخورداری از مهارت‌ها هستند که می‌توانند فرد را بر چالش‌ها غالب گردانند. بطوری که بررسی‌های علمی در سراسر جهان بیانگر تاثیر کمبود مهارت‌های اجتماعی در گرایش به انحرافات اجتماعی هستند. بسیاری از جوانان پس از قرار گرفتن در موقعیت‌های دشوار مانند ناکامی تحصیلی، شغلی، نداشتن امنیت در خانواده به دلیل نداشتن مهارت‌های مقابله با فشار روانی و مهارت‌های حل مسئله به سمت انحرافات اجتماعی کشیده می‌شوند. از این رو ضرورت یادگیری مهارت‌های اجتماعی در جامعه به خوبی آشکار می‌شود و به عنوان عاملی مهم در ایجاد فرصت‌های رشد، توسعه و تعالی فرد محسوب می‌شود. بهره‌مندی از شاخص مهارت اجتماعی در قشر جوانان در نقش پیشروان توسعه رویکردی است که موجب بهبود کیفیت زندگی، رفاه و رضایت می‌شود (شربتیان و عزیزاده خانقاهی، ۱۳۹۶: ۱۶۸).

مهارت‌های اجتماعی عبارتند از رفتارهای انطباقی فراگرفته که فرد را قادر می‌سازند با افراد مختلف روابط متقابل داشته باشند؛ واکنش‌های مثبت بروز دهند و از رفتارهایی که پیامد منفی دارند اجتناب کنند. این

مهارت‌ها به گونه‌ای هستند که دگرگونی در آن‌ها بر رفتار میان افراد، بهداشت روانی‌شان و عملکرد مفید در جامعه موثر واقع می‌شوند. در واقع فردی در این حوزه ذی صلاح است که در ارتباط با دیگران بتواند حقوق و رضایت خاطر و انجام وظایف خود را در حد معقولی نائل آید؛ بدون آنکه حقوق و الزامات یا وظایف دیگران را نادیده بگیرد و همچنین مبادله آزاد با دیگران داشته باشد. ضعف مهارت‌های اجتماعی منجر به شکل‌گیری رفتارهای بزهکاری، ناسازگاری، افت تحصیلی، مصرف مواد مخدر و اعتیاد می‌گردد. دارا بود مهارت‌های اجتماعی زمینه مشارکت فعال فرد در اجتماع را فراهم می‌کند و به فرد کمک می‌کند تا در رویارویی با وضعیت‌های دشوار اجتماعی واکنش اجتماعی موثر از خود نشان دهد (احمدی و معینی، ۱۳۹۳: ۳).

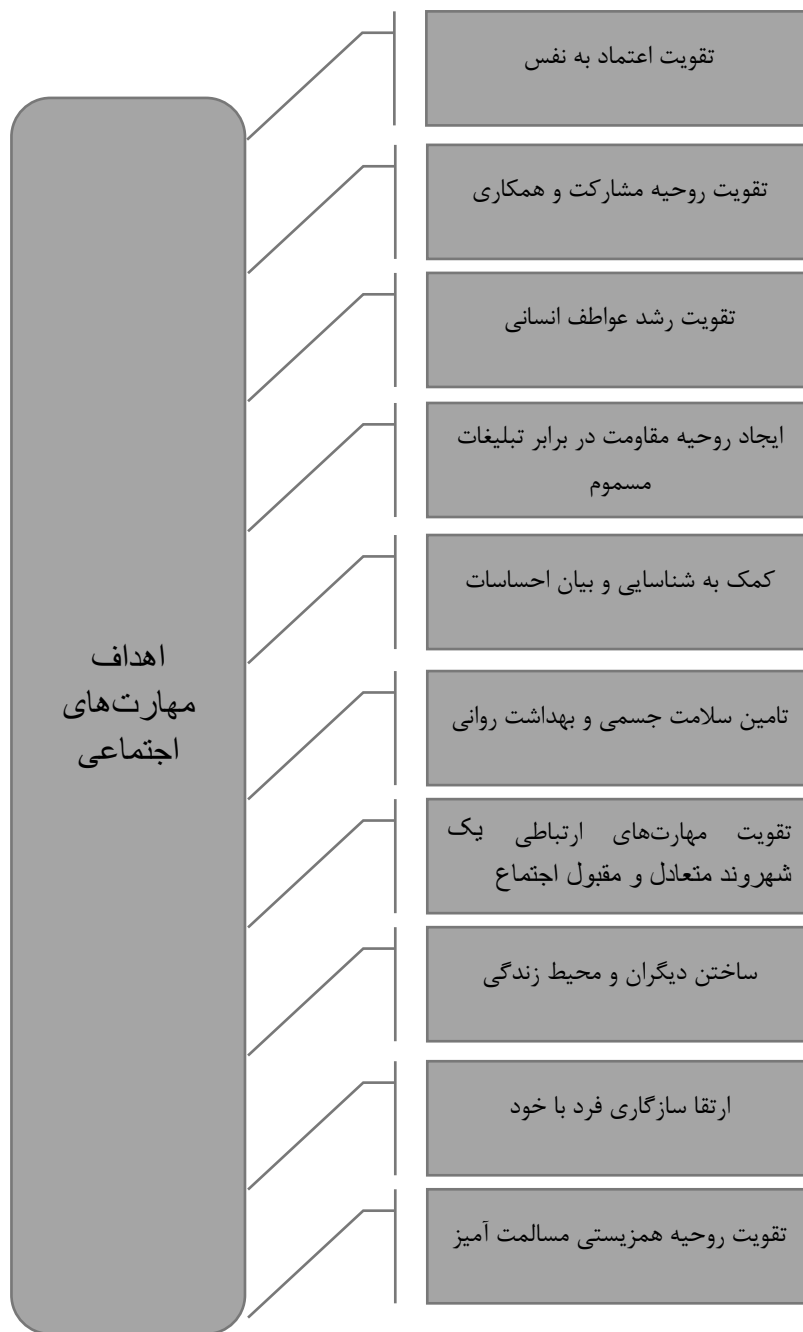
مهارت‌های اجتماعی میزان خطرپذیری و ریسک را کاهش می‌دهند و توانمندی‌های بالقوه جوانان را عملیاتی می‌کنند. آموزش مهارت‌های اجتماعی فرآیندهای حل مسئله جوانان را تقویت نموده و رفتارهای پرخطر و عوامل ریسک که تهدید بزرگی برای جوانان می‌باشند را تقلیل می‌بخشد (احمدی و معینی، ۱۳۹۳: ۴). بنابراین، آموزش مهارت‌های اجتماعی در زیرمجموعه‌ای از توانایی‌ها تعلق دارد که زمینه سازگاری رفتار مثبت را ایجاد می‌کند و فرد را قادر می‌سازد تا ضمن پذیرش مسئولیت‌های اجتماعی خود و بدون آسیب‌رسانی به دیگران به شکل موثری با مشکلات روزانه و روابط بین فردی روبرو گردد (مومنی و همکاران، ۱۳۹۰: ۹۲). در جامعه ایرانی علارغم کاستی‌های موجود بخصوص در مناطق محروم، در حوزه سلامت جسمی جوانان گام‌هایی برداشته شده است. اما آنچه که در عرصه‌های مختلف جامعه به چشم می‌خورد بی‌توجهی به ابعاد اجتماعی و روانی سلامت برای نسل جوان است که این مسئله در عصر ارتباطات موجب آسیب‌پذیری افراد در ابعاد مختلف مانند افت تحصیلی، گرایش به مواد مخدر و دیگر راه‌های انحراف اجتماعی می‌شود (شربتیان و علیزاده خانقاهی، ۱۳۹۶: ۱۶۸).

در پژوهش حاضر مهارت‌های اجتماعی به عنوان متغیر مستقل اصلی در قالب نظریات اجتماعی و روانشناختی بررسی شده است. در نظریات روانشناختی بر روی فرآیندهای ذهنی که رفتارهای ارتباطی را در برمی‌گیرند تاکید می‌شود. اما در نظریات اجتماعی گروه‌های اجتماعی را به عنوان واحد تحلیل قرار می‌دهند. نظریه "دیالکتیک رابطه" باکسر و مونتگمری^۵ یکی از نظریات اجتماعی است که حساسیت کنش‌ها نسبت به نیازها و تناقضات را بیان می‌کند (احمدی و معینی، ۱۳۹۳: ۱۰).

⁵-Baxter & Montgomery



شکل شماره (۱): اهداف مهارت‌های اجتماعی



راهبردهای رفع دین‌گریزی و گرایش به فرهنگ بیگانه بر پایه آموزش در ایران

- ارائه الگوهای مناسب

الگوهای جذاب، برای یادگیری و شکل‌دهی رفتار انسان‌ها، به ویژه جوانان، نقش اساسی دارد. در دوره نوجوانی و جوانی، تأثیرپذیری از خانواده به شدت کاهش می‌یابد و گاهی بین خانواده و جوان تعارض و درگیری به وجود می‌آید. از این رو، جوان برای ساختن نظام ارزشی و اعتقادی خود می‌خواهد از چیزهایی غیر از خانواده و مربیان قبلی استفاده کند. از عوامل تأثیرگذار در بیرون نهاد خانواده، الگوها و دوستان هستند. در این میان، نقش الگوهای مورد قبول جوان بسیار زیاد است؛ چه اینکه دوستان نیز در حال ساختن نظام ارزشی خود و نیازمند الگوهای مورد پسند می‌باشند. در این شرایط، اگر الگوهای مناسب و در دسترس وجود نداشته باشد، جوان دچار سردرگمی شده و تعادل روانی او از مرز ارزشی خارج می‌شود. در این صورت، چه بسا به الگوهای مجازی پناه برده و یا تحت تأثیر دوستان کم تجربه قرار گیرد و یا به دام شیادانی بیفتد که در کمین جوانان سردرگم هستند و در نتیجه، شرایط و زمینه‌های گریز از دین برای او فراهم می‌شود.

انسان به فطرت خود، کمال دوست و کمالجو است. او به کمال عشق می‌ورزد و در پی آن می‌دود. در عرصه تربیت دینی جایگاه الگوجویی آشکارتر است. به دلیل پیوند میان آموزش و پرورش دینی، جوان درصدد یافتن الگوهایی بشری است که شاهد گویای ثمره عمل به دین باشند. برای نسل نو ارائه آموزه‌هایی بدون مصادیق مجسم و موفق و کمال یافته، چون نظریاتی انتزاعی است که با جهان آدمی بی ارتباط است. افزون بر آنکه نوجوان و جوان زندگی خویش را با کاوشی از الگوهای انسانی برتر آغاز می‌کند. اگر آنها را در دین‌گرایان پیدا نکند، در دین‌ستیزان جستجو میکند و تا رفع این نیاز هرگز آرامش ندارد. الگوهای دینی نباید به مثابه فوق بشر؛ بلکه باید بشر مافوق تلقی شوند، زیرا فوق بشر نمی‌تواند الگوی نیکویی برای آدمی باشد (آشفته‌یزدی، ۱۳۸۸).

- تقویت بینش دینی جوانان و شناساندن فرهنگ غرب به آنان

در مواردی دین‌چنان به جوان معرفی می‌شود که گویی مانع ارضای نیازهای اوست. چنین تصویری در نهایت، به دین‌گریزی می‌انجامد. جوان در شرایطی قرار دارد که انواع گرایش، به ویژه گریزه جنسی و لذت‌طلبی، در او به نقطه اوج رسیده و عوامل بیرونی نیز او را احاطه کرده و آتش شهوت را در او برافروخته می‌کند. حال اگر دین به گونه‌ای ترسیم شود که گویی مانع ارضای گرایش اوست و راه‌کاری برای ارضای آنها ندارد، طبیعی است که نسبت به دین‌گریزان می‌شود و دین‌پذیری را مساوی با سرکوب گرایش خود می‌انگارد. افزون بر آن، روحیه استقلال‌طلبی، حریت و قطع وابستگی، از جمله ویژگی‌های روحی جوان است. او یک

دوره گذار از وابستگی به استقلال را طی کرده و می‌خواهد با اراده آزاد خود انتخاب کند. از نظر اخلاقی نیز مرحله اخلاق «دیگر پیرو» (تقلیدی) را پشت سر گذاشته و وارد مرحله اخلاق «خود پیرو» گردیده است. او از هر مانعی - هر چند - تخیلی گریزان است و می‌خواهد در رفتار، گفتار، تفکر و انتخاب آزاد باشد. گرچه عدم تربیت صحیح روحیه استقلال طلبی و پیروی بی‌چون و چرا از غرایز و لذت طلبی افراطی، برای جوان بسیار خطرناک است، اما در بدو امر، هر چیزی که بخواهد محدودیتی برای او ایجاد کند امری ناخوشایند تلقی می‌شود، مگر اینکه راه کارهای دین برای ارضای سالم غرایز به خوبی برای او ترسیم شود (عباسی، ۱۳۸۸).

یقین به حقایق با عظمتی همچون آفریدگار جهان، پیامبران الهی و رستخیز نوعی تعهد در انسان پدید می‌آورد و میزان معنویت او را در برابر یورش فرهنگی بیگانگان افزایش می‌دهد. به عبارت دیگر، تقویت باورهای دینی و پی‌ریزی بینشی درست در زمینه مذهب و سیاست می‌تواند همچون سنگری نفوذناپذیر مردم را در برابر بمباران فرهنگی دشمن محافظت نماید و سودجویان غرب را ناکام و ناامید سازد. بی‌تردید، چنین ایمانی جامعه را به جهت گیری صحیح رفتاری رهنمون می‌نماید و از کژروی و ناهنجاری‌ها باز می‌دارد. تردید، شناسایی دشمن و اهداف وی از الفبای مبارزه به شمار می‌آید؛ برای رویارویی با یورش فرهنگی نیز باید فرهنگ دشمن و ویژگی‌های آن مورد بررسی دقیق قرار گیرد.

چنین تحقیق وسیع و همه‌جانبه‌ای، اندیشمندان را در شناخت درست ردپای انحراف یاری می‌دهد. از سوی دیگر، باید اهداف دشمن، ابزار و شیوه‌های مورد استفاده وی شناسایی شود. آگاهی از ابزار و شیوه‌های مورد استفاده یورش گران می‌تواند مسئولان را در خلع سلاح مهاجمان کمک کند و نقشه‌های آنان را خنثا سازد.

- زدودن فقر اقتصادی و اشتغال سازنده و مفید

تنگدستی را شاید بتوان از پلیدترین پدیده‌های جامعه به شمار آورد. بی‌تردید، بسیاری از ناهنجاری‌های اجتماعی همچون سرقت، ولگردی، گدایی، خودفروشی، و اعتیاد به علت تنگدستی و بی‌چیزی به وجود می‌آید. نگاهی گذرا به بزهکاران و ساکنان ندامتگاه‌ها ما را به این حقیقت دردآور رهنمون می‌نماید که شمار بسیاری از آنان در اثر تهیدستی، پای در این راه شوم و بدفرجام نهاده‌اند.

پدیده فقر در هر جامعه‌ای که چهره کریه خود را به نمایش بگذارد، مانند سیلی بنیان‌کن زیربنای تمامی ارزش‌های انسانی را از بن ویران می‌سازد و کاخ‌های کرامت و شرافت آدمی را به بیغوله‌های ننگ و بدنامی تبدیل می‌کند.

یکی از عوامل مهم در سلامت فرد و جامعه، اشتغال سازنده و کار مفید است. اشتغال سازنده زمینه شکوفایی استعدادها و بروز خلاقیت‌ها و ابتکارات را فراهم می‌آورد و کار و تلاش، شرایط را برای رشد و پیشرفت جامعه مساعد می‌سازد.

بی‌کاری موجبات تنبلی، سستی، افسردگی و قساوت قلب را فراهم می‌آورد. گسترش بی‌کاری در جامعه سبب افزایش فقر و ناتوانی و در نتیجه، ازدیاد فساد و فحشا شده و به کفر می‌انجامد.

عدم اشتغال ذهنی، تخیل گرایی منفی، آلودگی فکری، آسیب پذیری سلامت روانی و عاطفی را به همراه دارد و عدم اشتغال جسمی رکود و سستی و تنبلی و بیماری جسمی و بدنی را دامن می زند و خمودی و ناتوانایی را دنبال می کند. به همین دلیل، «کار به عنوان یک عامل سازنده بسیار مهم در تربیت اسلامی قلمداد گشته و بی کاری و فقر به شدت نفی شده است.»

- پیش گیری از نفوذ عوامل فرهنگی دشمن

نگهبانی از ارزش های الهی، بینشی ژرف می طلبد؛ بینشی که در سایه آن همه عوامل فرهنگی غرب را شناسایی و کنترل نموده و در صورت لزوم طرد و منزوی می سازد. از این رو، بر همه مسئولان امر وظیفه است که به هر شکل ممکن جلوی نفوذ فرهنگی دشمن را بگیرند. چنانچه این کار انجام نشود، همه مسئول می باشند.

امام خمینی در این باره می فرمایند:

«اکنون وصیت من... آن است که نگذارند این دستگاه های خبری و مطبوعات و مجله ها، از اسلام و مصالح کشور منحرف شوند و باید بدانیم که آزادی به شکل غربی آن که موجب تباهی جوانان و دختران و پسران می شود از نظر اسلام و عقل محکوم است و تبلیغات و مقالات و سخنرانی ها و کتاب ها و مجلات بر خلاف اسلام و عفت عمومی و مصالح کشور، حرام است و بر همه ما و همه مسلمانان جلوگیری از آنها واجب است. و از آزادی های مخرب باید جلوگیری شود، از آنچه در نظر شرع حرام و آنچه بر خلاف مسیر ملت و کشورهای اسلامی و مخالف با حیثیت جمهوری اسلامی است، به طور قاطع اگر جلوگیری نشود، همه مسئول می باشند» (عصاره و حسینی بیدخت، ۱۳۹۳: ۹۵).

- استفاده از امکانات تربیت بدنی

تربیت بدنی و سلامت جسمی، نیاز طبیعی فرد سالم و جامعه سالم است که می تواند زمینه ساز سلامت روانی و عاطفی آنان شود. میزان سلامت جوانان در چگونگی پیشرفت تحصیلی آنها مؤثر است. هر چه جوان سالم تر، بانشاط تر و شاداب تر باشد فراگیری و رشد، سریع تر و متعادل تر صورت می گیرد و زحمات صورت گرفته از سوی والدین و مسئولان بیشتر به نتیجه می رسد و متقابلاً این گروه هر چه از سلامت کمتری برخوردار باشند کسالت و خمودی بیشتر می شود و در نتیجه، افت تحصیلی و مشکلات رفتاری فزون تر می شود.

از سوی دیگر، نوجوان و جوان سرشار از انرژی فزاینده است که باید به صورت صحیح و منطقی تخلیه شود. تراکم این انرژی و عدم تخلیه معقول آن می تواند زمینه ناهنجاری های فردی و اجتماعی را به همراه داشته باشد. چنانچه معمولاً کودکان در ممنوعیت بیش از حد، برای محیط خانه و اجتماع مسئله آفرین هستند و اغلب بزهکاران امکان و شرایط لازم و هدایت شده برای تخلیه انرژی خویش را نداشته اند.

اگر محتوای آموزه های تربیتی مجموعه ای از سلب ها و ممنوعیت ها، بدون جایگزینی مناسب باشد به تدریج آموزنده را از میدان به در می کند، زیرا:

اولاً، تربیت در پرتو احساس اشتیاق آموزنده حاصل می شود و غالب جوانان اشتیاقی به نهی و منع ندارند. ارائه جایگزین های دلنشین می تواند رغبت آفرین باشد.

ثانیاً، بسیاری از ممنوعیت های دینی، لذا ید مادی است که جوان به طور غریزی در پی آنهاست؛ ارتکاب آنها راهی به سوی ارضای نیازهای غریزی و ترک آنها به منزله نبرد با گرایش های درونی است. بدین روی، هدایت جوان نمی تواند چگشی انجام گیرد و امیال درونی وی به فراموشی سپرده شود؛ بلکه باید با ارائه طریق مناسب و جایگزین مشروع برای ارضا همراه شود.

ثالثاً، جوانی که به محرّماتی عادت کرده است، ترک عادت او را به تنش شدید روانی دچار می کند. در صورتی می توان از این تنش های طاقت فرسا جلوگیری کرد که عادات جایگزین حاصل شود.

رابعاً، منع ها غالباً وقت آفرین است. اگر با ترک رفتارهای مضرّ اوقات فرد خالی می شود لازم است که به وجهی نیکو پر شود، وگرنه فرصت اضافی ممکن است برای فرد مشکلات جدیدی بیافریند.

بر این اساس، اگر تفریحات ناسالم از تربیت شونده گرفته می شود، لازم است که امکان تفریحات سالم فراهم شود، که استفاده از امکانات تربیت بدنی یکی از این جایگزین ها می باشد.

فقدان توانایی فرد برای حل مسائل در موقعیت های اجتماعی بطور قابل توجهی بر توانایی آن ها در ارائه راه حل های معقول برای مشکلات اجتماعی معمولی تاثیر می گذارد که به نوبه ی خود باعث می شود آن ها از موقعیت های اجتماعی دشوارتر اجتناب کنند. از سوی دیگر، مبارزه با مهارت های اجتماعی در جوانی نیز می تواند باعث اجتناب از موقعیت های اجتماعی شود و در ایجاد روابط اختلال ایجاد کند. آموزش مهارت های اجتماعی شامل مداخلات و روش های آموزشی است که به فرد در بهبود رفتار اجتماعی کمک می کند. در واقع هدف، آموزش رفتارهایی به افراد است که در تعاملات و رفتارهای اجتماعی معمولی دخیل هستند. این اقدام مربوط به زمانی می شود که جوانان مهارت های مناسب بین فردی را فرا گرفته اند (Lancia, 2021).

نتیجه گیری

اوج کنش های مخاطره آمیز که می توانند وضعیت اجتماعی جامعه را تحت تاثیر خود قرار دهند، به دوران جوانی باز می گردد. در این دوران رشد عاطفی-اجتماعی با هویت، اخلاق و شغل به شیوه های پویایی در هم تنیده شده اند. بخش مهمی از شکل گیری هویت و اخلاق فردی به محیط خانواده مربوط می شود. به نحوی که اغلب روانشناسان و سیاستگذاران خانواده را متغیر اصلی در رشد و حتی کنترل مخاطرات اجتماعی پیش روی جوانان می دانند. زیرا بخش اولیه تربیت شخصیتی و هویتی فرد در این گروه شکل می گیرد، هرچند که به خودمختاری و استقلال عمل گرایش بیشتری دارند. برای نمونه فراگیری باورهای دینی در فضای خانواده گرچه ممکن است نوعی سردرگمی و بی رغبتی به دلیل عدم توجیه صحیح آن برای جوانان به وجود آورد، اما می تواند در تعریف اخلاق محوری و ابعاد غیرمادی در راستای کنترل کنش های پرخطر مفید و موثر واقع شود. علاوه بر این موضوع، محیط اجتماعی و شرایط و امکانات جهانی از قبیل اطلاعات و ارتباطات و گسترش سریع تهاجمات فرهنگی غرب خود می تواند زمینه ساز بسیاری از ناپهنجاری های اجتماعی و تخریب هویت

ملی-مذهبی جوانان آن جامعه گردد. همانطور که پیش‌تر بررسی شد بخشی از تهاجم دشمنان جمهوری اسلامی ایران مربوط به ارائه معیارهای غربی و تضعیف باورها و اعتقادات مذهبی جوانان است که با اشاعه فساد و ابتذال، تخریب شخصیت‌های مذهبی، استفاده ابزاری از گروه‌های مذهبی، تاکید بر غرایز انسانی همراه می‌گردند. بطور خاص وجود شبهات دینی در میان قشر جوان ایرانی از مهمترین متغیرهای تاثیرگذار و تحریک کننده در ترغیب جوانان به سمت انحراف اخلاقی و فرهنگی و تخطی از موازین آموزش صحیح است. در کنار این مولفه موضوع اقتصاد و چالش‌های متعاقب آن نتیجه عدم برنامه‌ریزی صحیح، تناسب شغلی و به ویژه عدم انطباق برون‌دادهای نظام آموزشی با وضعیت اقتصادی جامعه می‌باشد که حاصل آن رشد بیکاری همراه با افزایش جمعیت تحصیلکردگان دانشگاهی خواهد بود. از این رو جوانان دارای پتانسیل مثبت به دلیل سرخوردگی و بلاتکلیفی به سمت انحرافات اجتماعی کشیده می‌شوند. در این راستا، دولت برای کاهش انحرافات و حل مسائل به توسعه مهارت‌های اجتماعی در جهت عملیاتی نمودن توانمندی‌های بالقوه جوانان مبادرت می‌ورزد. مهارت‌های اجتماعی از طریق آموزش صحیح به ارائه الگوهای مناسب، تقویت بینش جوانان نسبت به گرایش‌های غرب‌گرایانه، ارائه راهکارهای سازنده در ایجاد مشاغل مفید، پیشگیری از نفوذ بیگانگان و استفاده از امکانات تربیت بدنی قادر هستند توانایی فرد را برای حل مسائل در موقعیت‌های اجتماعی هدایت کنند. درحقیقت، مهارت‌های اجتماعی به صورت فرآیندی عمل خواهند کرد که موجب ثبات در شخصیت و عمق در هویت شده و فرهنگ فرد را توسعه می‌دهند که این مهم رضایت و مقبولیت اجتماعی را به همراه خواهد داشت.

منابع

- احمدی، حبیب و مهدی، معینی، مهارت‌های اجتماعی و رفتارهای پرخطر جوانان: مطالعه موردی شهر شیراز، پژوهش‌های راهبردی/امنیت و نظم/اجتماعی، سال چهارم، شماره ۱، تابستان ۱۳۹۴، ۲۴-۱.
- افشارکهن، جواد، گونه‌شناسی مسائل اجتماعی جوانان ایران با تاکید بر وضعیت دختران، مطالعات راهبردی زنان، سال یازدهم، شماره ۴۴، تابستان ۱۳۸۸، ص ۱۴۱-۱۱۱.
- آشفته یزدی، طاهره، موانع و راه کارهای گرایش تربیت دینی جوانان به معنویت از دیدگاه امام خمینی(ره)، دانشگاه باقرالعلوم، ۱۳۸۸.
- مطهری، مرتضی، رهبری نسل جوان، انتشارات صدر، ۱۳۹۷.
- قنبری برزین، علی، در خصوص مسئله شناسی جوانان ایران، مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران، دوره سوم، شماره ۴، زمستان ۱۳۹۴، ص ۶۹۶-۶۶۷.
- عباسی، محمد، عوامل دین‌گریزی و گرایش جوانان به فرهنگ غرب، نشریه معرفت، پیاپی ۸۶، شماره ۵، مرداد ۱۳۸۶.
- عظیمی، حسین، نقش آموزش‌های فنی و حرفه‌ای در کاهش آسیب‌های اجتماعی طی سال‌های ۱۳۹۰ تا پایان ۱۳۹۴ با نقش میانجی اشتغال، شماره ۲۷، زمستان ۱۳۹۵، ۱۹۴-۱۶۹.

عصاره، علیرضا و محسن، حسینی بیدخت، واکاوی نقش توسعه موسسات آموزش عالی در قبال فرهنگ و تهاجم فرهنگی، *مطالعات توسعه اجتماعی/ایران*، سال ششم، شماره ۲، بهار ۱۳۹۳، ص ۹۱-۱۰۰.

سطوتی، جعفر. (۱۳۹۲). "مطالعه‌ای تطبیقی پیرامون مفهوم جوان و جوانی". فصلنامه مطالعات راهبردی ورزش و جوانان. شماره ۱۹..

سوانسون، بی‌ئی و جی بی کلار (۱۳۷۰)، تاریخچه و چگونگی تحول ترویج کشاورزی در مرجع ترویج کشاورزی، مترجم، شهبازی، اسماعیل و حجاران، احمد، تهران: انتشارات سازمان ترویج کشاورزی.

شفرز، برنارد (۱۳۸۸)، مبانی جامعه‌شناسی جوانان، مترجم، راسخ، کرامت‌الله، تهران: نشر نی.

شربتیان، محمدحسن و سامره، علیزاده خانقاهی، رابطه مهارت‌های زندگی با سلامت اجتماعی: نمونه موردی جوانان ۱۵ تا ۲۹ ساله شهرستان حاجی‌آباد، *پژوهشنامه مددکاری اجتماعی*، سال دوم، شماره ۶، زمستان ۱۳۹۶، ۱۶۵-۲۰۸.

شیرکوند، شهرام، مدیریت مهارت‌های اجتماعی برای تغییر رفتار، *خبرگزاری همشهری آنلاین*، ۱۲۵۵۲۱، <https://www.hamshahrionline.ir/news/125521/>. ۱۳۸۹/۱۱/۲۱

مومنی مهمویی، حسین، تیموری، سعید و محمد رحمان‌پور، بررسی تاثیر آموزش مهارت‌های زندگی بر سلامت وان و عزت نفس دانش‌آموزان دختر پایه پنجم ابتدایی، *فصلنامه اندیشه‌های تازه در علوم تربیتی*، سال ششم، شماره ۴، پاییز ۱۳۹۰، ۱۱۲-۹۱.

خبرگزاری فارس، ۱۰ توصیه مهم رهبری به جوانان چیست؟، ۰۰۰۶۰۶، ۱۴۰۰/۱۲/۲۱.

<https://www.farsnews.ir/news/14001221000606>

Turner, N. E., Macdonald, J. & Somerset, M. (2008). Life Skills, Mathematical Reasoning and Critical Thinking: Acurricul for Prevention of Problem Gambling. *Journal of Gambling studies New York*. 24(3). 367-380.

Lancia, G. (2021). Social Skills Training for Adult: 10 Best Activities and Worksheets. <https://www.positivepsychology.com/social-skills-training/>

Hutchison, B., Leigh, K. T., Wagner, H. H., Capuzzi, D., & Stauffer, M. D. (2016). Young adulthood: emotional and social development. *Human Growth and Development Across the Lifespan: Applications for Counselors*. New York: John Wiley & Sons, 415-442.